

امروز آرا و سربیان نامور اسلام در تعلیم و تربیت

پلم دکتر محمد ظفرانی دانشیار دانشگاه تهران

گفته است و در قرن دهم هجری یکی از دانشمندان و محققان شهیر اسلامی بنام احمد ابن مصطفی طاش کبری زاده (۹۶۲ هـ) آراء و نظریات فارابی و فخر رازی و ابن سینا و دیگر دانشمندان و سربیان بزرگ پنج قرن نخست اسلام را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و تعداد علوم عقلی و نقلی را که تدریس آنها در مدارس متداول بوده به صد و پنجاه نوع برشمرده است که ذکر یک یک آنها موجب اطاله سخن می‌گردد و خواننده گرامی رابه کتاب ارزنده این محقق بزرگ اسلامی بنام «مفتاح السعادة و صباح السیادة» که در دو مجلد نگارش یافته احاله می‌دهیم و شایان توجه آنکه مسلمانان با توجه به مکان و زمان در پنج قرن نخست اسلام نسبت به آموزش علوم اسلامی وحدت نظر نداشته و سربیان این دوره نیز همانگونه که در مقالات گذشته متعرض شدیم در اولویت علوم آراء مختلفی دارند ولی بطور کلی این اولویت را می‌توان در پنج قرن نخست اسلام به ترتیب زیر بیان کرد:

قرن اول : علوم قرآنی ، حدیث و تفسیر
قرن دوم : آئین نگارش ، دستور زبان ، منطق ، ریاضیات ، کلام ، اخلاق ، حکمت اسلامی
قرن سوم و چهارم : در این دو قرن

گویا ابونصر فارابی (۳۳۹ هـ) ملقب به معلم ثانی نخستین دانشمندی است که علوم اسلامی را مورد بحث و تحلیل قرار داده و رساله مشهور خود را در این زمینه بعنوان «احصاء العلوم» برشته تحریر در آورده است ، این رساله از منابع مهم تحقیقات سربیان اسلام بشمار می‌آید. ابونصر فارابی در این رساله علوم را به پنج دسته یا موضوع تقسیم کرده است :

۱ - زبان‌شناسی

۲ - منطق

۳ - ریاضیات و علم مناظره ، فلک‌شناسی ،

علم موسیقی

۴ - علوم طبیعی ، علوم ماوراء طبیعت یا

متافیزیک .

۵ - علم فقه و علم کلام .

و غرض وی از تألیف این رساله ارشاد و راهنمایی دانشجویان برای انتخاب رشته تحصیلی مورد علاقه و بطور کلی برای بدست آوردن اطلاعات عمومی از علوم مختلف می‌باشد و پس از فارابی این رساله (۸۴۹ هـ) در کتاب شفا از نظریه فارابی در دسته بندی علوم پیروی کرده است و همچنین امام فخر رازی (۹۰۴ هـ) در کتاب خود بنام «حداثق الانوار فی حقائق الاسرار» علوم انسانی را مورد بررسی قرار داده و از شمیت علوم بتفصیل سخن

مسلمانان به علوم طبیعی و الهی و ریاضیات و حکمت عملی و منطق و فلسفه عنایت و توجه خاصی داشتند و از سوی دیگر در فقه و اصول و علم کلام و تفسیر نیز کتابهای بسیار ارزنده که امروز از منابع دست اول معارف اسلامی بشمار می‌آید در این دو قرن تدوین و تألیف گردید.

قرن پنجم: در این قرن و قرنهای متعاقب آن کار تألیف و تحقیق در علوم فوق‌الذکر بعد کمال رسید و تنها علوم فلسفی رونق خود را از دست بداد و اعراض از فلسفه معلول عواملی بود که ذکر آنها از حوصله گفتار ما خارج است و مهمترین عامل مخالفت سرسختانه روحانیون با فلاسفه بود که در اثر نفوذ معنوی روحانیون در طبقات مختلف و توده‌های مردم فرمانروایان را نیز بر آن سیداشت که روحانیون را مورد حمایت خود قرار دهند یا بعبارت دیگر از نظریه آنان تبعیت کنند هر چند تحصیل علوم فلسفی که گاه در برخی از مدارس این دوره رائج بود ولی از هیچگونه حمایت و تأیید مقامات حکومتی برخوردار نبود و تنفر و انزجار عده‌ای از فقها نسبت به علوم فلسفی بعدی شدید بود که نسبت به ایمان فلاسفه با دیده شک و تردید می‌نگریستند و ضرب‌المثل‌هایی درباره کتابهای فلسفه در بین عوام الناس و متعصبین مذهبی شایع شده بود از آن جمله می‌گفتند کتاب فلسفه را باید با انبر برداشت تا از باب احتیاط دست انسان آلوده نگردد و این مثل کنایه از شدت تنفر نسبت به علوم فلسفی است و شاید تا کنون کسی دانشمند مسلمان فیلسوفی را هر چند در فقه و مبانی معارف اسلامی بمرحله اجتهاد نیز رسیده باشد سراغ ندارد که بر مسند فتوی

تکیه زده باشد یا بعبارت دیگر از مراجع مهم تقلید شناخته شده باشد و یا بکار امام جماعت پرداخته باشد و ناگفته نماند که فتنه خانمان برانداز مغول یکی از عوامل مهم رکود فعالیت‌های علمی در قرن هفتم و هشتم هجری بشمار می‌آید، بهر حال بررسی این موضوع حساس نیاز به بحثی مستقل دارد تا بتوان پیرامون عوامل انحطاط معارف اسلامی در عصر مغول بتفصیل سخن گفت، بهر حال از آنچه معروض افتاد این نتیجه بدست می‌آید که پنج قرن نخست اسلام عصر شکوفائی فرهنگ و معارف اسلامی بشمار می‌آید و در همین قترت بود که آثار برجسته‌ای در زمینه تعلیم و تربیت نیز تألیف و تدوین گردید و ما در اینجا بذکر برخی از آنها اکتفا می‌نمائیم.

الف - کتاب آداب‌المعلمین تألیف

این سخنون مغربی:

این کتاب تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد از قدیمترین کتب تعلیم و تربیت اسلامی است که حاوی مسائل ارزنده پیرامون آداب معلم و بیان روش آموزش نوسالان می‌باشد، مؤلف آن شخصی است بنام قتیبه ربانی محمد بن سخنون مغربی که بسال ۲۲۶ هجری قمری بدرود زندگی گشته است و وی بنقل از امام مالک بیک واسطه (از پدرش که خود از فقهای معروف شمال افریقا است) می‌گوید غیاث بن شیب مغربی متوفی بسال ۷۸ هجری روایت کند که ابن وهب یکی از صحابه رسول گرامی (ص) گاهی بمجلس درس ما حضور می‌یافت و شاگردان را مورد عنایت و لطف قرار میداد (۱) و این عساکر گوید اسماعیل بن ابی مهاجر مخزومی از سربیان معروف قرن نخست

آموزان را برای فراگیری مسائل درسی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قر می‌دهد و می‌کوشد که با توجه به تعالیم مقدس اسلام آموزگاران را به تهذیب اخلاق نونهالان بر مبنای روانشناسی تعلیم و تربیت ارشاد و توجیه نماید .

ج - الرسالة المفصلة لحوال المعلمين واحكام المتعلمين تأليف ابوالحسن

علی بن خلف قابسی

وی از مردم قیروان و از مریبان تعلیم و تربیت در قرن چهارم هجری است ، رساله‌وی که اصول تعلیم و تربیت را بر اساس تعالیم مقدس اسلام پی‌ریزی می‌کند مشتمل بر مباحث زیر است :

- ۱ - آداب آموزش قرآن کریم و آنچه که رعایت آن برای معلم و متعلم ضروری است .
- ۲ - نحوه رفع اشتباهات دانش آموزان و اینکه آموزگار بچه کیفیتی باید مشکلات درسی شاگردان خود را حل کند .
- ۳ - چگونگی تنظیم ساعات درس و مشق کودکان و رعایت ساعات تفریح آنان .
- ۴ - طرق تقویت رابطه بین آموزگار و دانش آموز .

۵ - خاتمه در بیان حدیث نبوی که قرآن کریم به هفت حرف نازل شده است .

د - کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر

الاعراق تألیف ابن مسکویه

نام دیگر این کتاب «الطهاره» است که

هجری در شمال افریقا چندین مدرسه برای کودکان مسلمانان تأسیس کرد تا از موهبت دانش و سواد آسوزی برخوردارگردند (۲) بدین ترتیب ملاحظه مینمائیم که خطه غربی جهان اسلام بمانند بخش شرقی آن درقرنهای نخستین هجرت در راه تعلیم و تربیت گامهای شمر و مثبت برداشته است و این سحنون خود نیزاز مردم همین سرزمین است که از پیشگامان تعلیم و تربیت اسلامی بشمار می‌آید کتاب وی مشتمل بر مباحث زیر است :

- ۱ - کیفیت آموزش قرآن کریم .
- ۲ - لزوم رعایت عدالت و تساوی بین دانش آموزان .

۳ - موارد عدم جواز زدودن نام خدا از لوحه درس

۴ - ادب و اخلاق از آنچه شایست و ناشایست است .

۵ - آداب و مراسم پایان تحصیل و آنچه وظیفه آموزگار است .

۶ - عطایای اعیاد مذهبی و کیفیت برگزاری آن در مدرسه

۷ - لزوم نظارت مداوم آموزگار در امر آموزش شاگردان

۸ - کیفیت پرداخت پاداش و حوق - التدریس به آموزگار

۹ - کیفیت عاریه گرفتن مصحف شریف و دیگر کتابهای درسی فقه و حدیث از مخزن یا کتابخانه مدرسه .

ب - کتاب «فی السیاسته» تألیف

ابونصر فارابی

این رساله استعداد و قابلیت دانش -

۱ - رعایت مجلس درس و آمادگی برای پرسش از استاد .

۲ - بدقت درس را گوش دادن .

۳ - تفکر و اندیشه کردن .

۴ - آنچه را که می‌داند بکار بندد .

۵ - در درون خویش بکاوش حقیقت پرداختن و همواره حقیقت جو بودن .

۶ - درس را بسیار مرور کردن که خود از نعمتهای الهی است .

۷ - از خودپسندی و غرور پرهیز کردن .

شرائط فوق‌الذکر از نظر اخوان‌الصفاء مقدمه وصول به کمال مطلوب و مقصود در امر معاش و معاد می‌باشد .

و - کتاب «السیاسه» تألیف ابن سینا :

دانشمند عالیقدر ایرانی ابن سینا

متوفی بسال ۳۸۴ هـ از مشاهیر فلاسفه اسلامی

است وی در آثار ارزنده خود که بزبان عربی و

فارسی تألیف نموده متعرض بسیاری از مسائل

تعلیم و تربیت شده است از آنجمله کتاب

نامبرده است که هیچ معلم و مربی تعلیم و تربیت از

خواندن آن بی‌نیاز نمی‌باشد وی مسائل روانی

تعلیم و تربیت را از آغاز کودکی مورد بحث

قرار می‌دهد و سپس مراحل تربیت کودک را

همزمان با آموزش وی در سنین مختلف

مشروحاً بیان می‌نماید از آنجمله ضرورت

آموزش کودک در محیط مدرسه است زیرا

ابن سینا معتقد است که تحصیل در خارج از

مدرسه بهر نوع و کیفیتی که باشد نه تنها

برای کودک ثمربخش نیست بلکه از نظر

پادگیری زبان بار می‌باشد مدرسه بنظر وی

یگانه محیط مناسبی است که زمینه شکوفائی

استعداد کودک را فراهم می‌کند و دیگر آنکه

مشمول برچند مقاله در اخلاق و تربیت و

تهذیب نفس است ، این دانشمند بزرگ

ایرانی نژاد با داشتن اطلاعات وسیع از آراء

یونانیان در تعلیم و تربیت مسائل بسیار

ارزنده‌ای را در امر تعلیم و تربیت اسلامی

مورد بحث و تحقیق قرار داده که از نظر

اهمیت سرآمد پژوهشهای تعلیم و تربیت

اسلامی است و چندین بار بوسیله کارشناسان

و محققان اسلامی تحقیق و چاپ شده است که

از آنجمله می‌توان تحقیق دکتر عبدالعزیز

عزت دانشمند معاصر مصری را نام برد .

۵ - رساله اخوان‌الصفاء در تربیت

جماعت اخوان‌الصفاء که بصورت یک

سازمان علمی سری در قرن چهارم تشکیل

گردید مرکب از نویسندگان و شخصیت‌های

مبرز علمی آن عصر بود (۳)

اخوان‌الصفاء مجموعاً ۵۲ رساله در

مبانی علوم عصر خود برشته تحریر

در آورده‌اند که از آنجمله رساله مزبور است ،

اخوان‌الصفاء در این رساله یادآوری می‌شوند

که شاگرد و متعلم باید همواره حتی پس از

فراغت از تحصیل نسبت با استاد خود متواضع

و فروتن باشد همانگونه که امیرمؤمنان علی

علیه‌السلام می‌فرماید (من علمنی حرفاً قد

صرت له عبداً) جماعت اخوان‌الصفاء از سوی

دیگر معتقدند که معلم باید رفتاری ملاحظه

آمیز داشته باشد و از اعمال خشونت و تندی

حتی المقدور احتراز جوید و در ادای وظیفه

مقدس تعلیم و تدریس بر شاگردان خود دست

نهد . اخوان‌الصفاء معتقدند که دانش‌آموز

باید واجد شرایط زیر باشد :

این سینا معتقد است که آموزگار باید بمنظور تشخیص استعداد کودک حتی المقدور ملازمت خود را از وی دریغ ندارد تا بتواند بر موهب ذاتی کودک وقوف کامل پیدا کند این نظریه امروز از پدیده‌های آموزش و پرورش قرن بیستم بشمار می‌آید .

ز - کتاب الانسان الكبير تألیف سماعی

وی از مشاهیر علمای مغرب اقصی است که بسال ۵۶۲ هجری وفات یافته واز آثار علمی وی همین کتاب الانسان الكبير است که در آن به مسائل تعلیم و تربیت پرداخته و شرائط و کیفیت تحصیل نوجوانان را مورد بحث و بررسی قرار داده است وی دو کتاب دیگر در زمینه تعلیم و تربیت تألیف کرده است یکی بنام « طرازالذهب فی آداب الطلب » که حاجی خلیفه در کتاب « کشف الظنون » و ابن عماد در « شذرات الذهب » بدان اشاره کرده‌اند و دیگری بنام « آداب الاملاء » که بسال ۱۹۵۲ بزبان آلمانی تلخیص گردیده و با متن عربی منتشر شده است این کتاب مشتمل بر سه فصل است :

۱ - آداب املاء کننده .

۲ - آداب تقریر نویس .

۳ - آداب نویسنده .

در این کتاب آئین نگارش و کیفیت املاء استاد بر مبنای اصول اسلامی بیان شده و مؤلف برای هر یک از معلم و شاگرد شرائطی را ذکر می‌کند از آنجمله می‌گوید معلم چون بجایگاه تدریس برسد شایسته است که پیشکرانه این سوهبت الهی که بوی عنایت گردیده دورکت نماز بجای آورد و نیز شایسته است دانش آموز بهنگام ورود استاد بهحلقه تدریس با احترام وی بیپاخیزد واز درگاه ایزد یکتا موفقیت او را آرزو کند و نیز گوید که

شاگرد باید بوقت رفتن به مجلس درس آرام و با وقار حرکت واز شتابزدگی پرهیز کند مگر آنکه بیم آن رود که از درس استاد غایب شود و باید که در پوشیدن لباس بکوشد که از جامه ساده و بی‌آلایش استفاده کند و چون گروهی از دانش آموزان بخواهند وارد حلقه درس استاد شوند باید تقدم سنی را بین خود رعایت کنند و هرگاه عده‌ای از دانش آموزان نتوانند بموقع تقریر درس استاد یادداشت تهیه کنند شایسته است از نظر روح تعاون و همکاری، دیگران دفترهای درس خود را به آنان عاریت دهند تا درس استاد را استنساخ کنند تا از درس روز خود عقب نمانند از این مطلب چنین مستفاد می‌گردد که تعلیم و تربیت از دیدگاه کیش مقدس اسلام باید با آئین سردمی و اخلاق ستوده و فضائل انسانی توأم و همراه باشد و بحق این آراء ارزنده مریبان اسلام موجب افتخار و مباهات است ولی در پایان عرائض این نکته را نیز یادآور شوم بگفته استاد سخن سعدی شیرازی (بعمل کار بر آید به سخن دانی نیست) . این بود گفتاری کوتاه پیرامون آراء برخی از مشاهیر مریبان بزرگ اسلام و امید است در مقاله آینده به بررسی آراء چند شخصیت دیگر اسلامی در این زمینه بپردازیم .

(۱) معالم الايمان فی مدینه القیروان

ج ۱- ۱۲۵ چاپ قاهره

(۲) تهذیب تاریخ دمشق ج ۲- ۳۵۸

چاپ قاهره

(۳) خوانندگان گرامی مکتب مام برای

مزید اطلاع از تشکیلات علمی اخوان الصفا

می‌توانند به مقاله نویسنده بعنوان «جماعة

اخوان الصفا» در مجله دانشگاه الزهرسال

۱۳۸۴ هـ مراجعه نمایند .